

نقش و جایگاه زنان در مراسم عزاداری

تغییر از حاشیه‌ای به مرکزی

مهری بهار*

چکیده

زنان ایرانی در دو دههٔ اخیر و به واقع پس از انقلاب اسلامی در مقایسه با گذشته، به یک نیروی اجتماعی جدیدی در تحولات تبدیل شده و نقش‌ها و وظایف تازه‌ای را بر عهده گرفته‌اند. نقش‌هایی که در گذشته یاب‌ها و گذارنده‌ها و یا در حوزه‌ای محدود بوده و یا از عدم آگاهی و بی‌میلی آنان ناشی شده است. این مقاله در پی آن است که میزان و نحوه حضور زنان را در عزاداری حسینی در تهران و در مقایسه با گذشته، به‌ویژه قبل از انقلاب اسلامی بررسی کند و در واقع به این سؤال پاسخ دهد که در اثر تغییرات صورت گرفته در دهه‌های اخیر در ساختار مراسم عزاداری حسینی، چه تحولی در نقش و جایگاه زنان در این عزاداری‌ها ایجاد شده است. در ادبیات مربوط به زنان ایران به نقش زنان در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پرداخته شده است. به نظر می‌رسد با وجود اینکه مراسم دینی در ایران برای زنان مشارکت عمده‌ای را به همراه داشته اما در مطالعات علمی کمتر به آن توجه شده است.

در واقع مقاله حاضر قصد آن دارد تا با مقایسه حضور زنان در عزاداری‌ها نشان دهد که در گذشته مشارکت زنان در عزاداری‌ها بیشتر جنبه حاشیه‌ای داشته و امروزه نقش محوری و کانونی‌تری را به عهده گرفته‌اند و فعالیت‌های جدیدی در ساماندهی، مدیریت، طراحی و برنامه‌ریزی در اجرای مراسم عزاداری و نظارت بر نحوه عزاداری ایفا می‌کنند.

کلیدواژه

زنان / سوگواری‌ها / شعایر و مراسم مذهبی / مردم‌شناسی / مشارکت زنان

* دانشجوی دکتری مردم‌شناسی دانشگاه موزه انسان پاریس

مقدمه

مراسم عزاداری در ایران یکی از اصلی ترین مؤلفه های فرهنگ دینی (شیعی) است که بیش از ۳ ماه از زندگی هر فرد ایرانی را با خود درگیر می سازد. عزاداری شیعیان ایران به روزی خاص - مثلاً یک روز یا دو روز - در سال تعلق ندارد، بلکه در مناسبت های مختلف دینی از قبیل فوت و شهادت ائمه (ع) و پیامبر (ص) و دیگر صحابه و یاران در روزهای مختلف سال اجرا می شود. عمده ترین مراسم عزاداری شیعیان مراسم عزاداری امام حسین (ع) در ماه های محرم و صفر می باشد.

اینکه اساساً عزاداری و مراسم آن چیست و چه کسانی عهده دار این مراسم هستند؟ بحث های متعددی را به خود اختصاص داده و تاکنون در مورد آن مقالات و کتاب های بسیاری به نگارش در آمده است. مقاله حاضر قصد آن را ندارد که به دوباره گیری مطالب مطرح شده بپردازد. بلکه منظور میزان و نحوه حضور زنان در عزاداری حسینی در تهران و در مقایسه با گذشته و به طور خاص قبل از انقلاب اسلامی است. به عبارت دیگر، مسئله اصلی مقاله حاضر طرح این مطلب است که: «آیا با توجه به تغییراتی که در ساختار مراسم عزاداری حسینی در تهران در چند دهه اخیر صورت گرفته است، در نقش و جایگاه زنان در عزاداری نیز تغییری صورت گرفته است؟» این سؤال با این پیش فرض مطرح شده است که در ساختار عزاداری در تهران تغییراتی عمده به لحاظ شکل و محتوا و روابط اجتماعی صورت گرفته است.^۱ به نظر می رسد، با وارد شدن به دوره جدید، به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران، زنان نقش محوری تری در مراسم عزاداری حسینی پیدا نموده اند. آنها ضمن اینکه مراسم عزاداری خاص خود را دارند، در مراسم عزاداری عمومی در خیابان و مساجد نیز شرکت نموده و وظایف جدیدتری را به عهده گرفته اند. این حرکت برای زنان در جامعه ایرانی اسلامی و برای سازمان عزاداری و در نهایت برای جامعه مهم و در نهایت در نحوه تحولات فرهنگی نقش آفرین است.

ملاحظات روشی و بینشی

مقاله حاضر بیشتر در پی طرح و توصیف یکی از انواع مشارکت های زنان در زمینه فعالیت های دینی در ایران و به طور خاص در تهران است. از این رو طرح اینکه کدام

چارچوب نظری برای این نوع بیان توصیفی از یک پدیده فرهنگی دینی لازم است، نیاز به تأمل و دقت بیشتری دارد. زیرا آنچه در این سطح مورد نظر است بیشتر مطالعه اکتشافی است. مطالب ارائه شده براساس مجموعه‌ای دریافت‌های ناشی از دقت نظر در مورد تحولات عزاداری در ۳ سال گذشته در بازار تهران تدوین شده است.

با این وجود نظریه کارکردگرایی در بیان تغییرات ایجاد شده در مراسم عزاداری تا حدود زیادی کمک کننده بوده است. زیرا این نظریه ضمن اینکه به کلیت ساختار و پیوستگی عناصر پدیده فرهنگی - عزاداری - از قبیل عوامل مادی، متون، اقتصاد و سیاست و... توجه می‌کند، کارکردهای هر یک از عناصر را نیز با توجه به ساختار کلی مورد نظر دارد (روح‌الامینی، ۱۳۵۷، ۷۵). با تأکید بر این نظریه است که شناسایی کارکردهای عناصر عزاداری در ساختار کلی فرهنگ ایرانی و عناصر آن معنی می‌یابد. در قبول نیرویی چون زنان در عزاداری، این سؤال پیش می‌آید که چه کارکردهای جدیدی برای عزاداری پیش آمده است که موجب حضور بیشتر زنان شده است؟ به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد در نظام کارکردی عزاداری می‌بایست تغییرات عمده‌ای رخ داده باشد تا زنان توانسته باشند نقش‌های جدیدتری را در مقایسه با گذشته به عهده گیرند.

وجود کارکردهای جدید برای زنان در عزاداری در مقایسه با گذشته قابل شناسایی است. زیرا با گسترش حوزه عزاداری به موضوعات خاص مذهبی و تبدیل آن به محل اجتماع، گفت‌وگوی دوستانه و فامیلی، نقش گروه‌های فامیلی و دوستی، تقویت جنبه نمایشی آن با ورود موسیقی و وسایل برقی و صوتی و خیابانی شدن این مراسم در مقایسه با گذشته که بیشتر خانگی و مسجدی و ثابت بود، همه حکایت از تغییر ساختار عزاداری است. این تغییرات حضور بیشتر زنان را در عزاداری فراهم نموده و برای آنها وظایف جدیدی ایجاد نموده است.

در تحقیق حاضر، از روش مشاهده مشارکتی برای توصیف و وضعیت پدیده مورد مطالعه استفاده شده است. در به‌کارگیری این روش چندین تکنیک مورد استفاده قرار گرفته است: ۱. مشاهده عزاداری در روزهای عزاداری، ۲. گفت‌وگو با عزاداران و به‌خصوص با مسئولان مراسم عزاداری و افرادی که در سالیان گذشته سازماندهی

عزاداری را بر عهده داشته‌اند. ۳. گفت‌وگو با مردم و آشنایی با نظرات آنها در مورد میزان و چگونگی تغییر عزاداری حسینی در ایام محرم در مقایسه با قبل از انقلاب اسلامی. مشاهده‌ها، مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای دوستانه با عزاداران در طی سه سال به طور مرتب تکرار شده است.

در مورد سابقه عزاداری و آشنایی با پیشینه آن در بیان تحولات ایجاد شده به منابع و مآخذ موجود مراجعه شده است. منابع اصلی مکتوب عبارتند از: سفرنامه‌ها، منون دینی، سرودها، تصاویر، فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی، نوارهای نوحه خوانی و روضه‌های قبل از انقلاب، و منابع تصویری تهیه شده در سال‌های اخیر از عزاداری و کتب مردم شناسی دینی که به بحث در مورد این مراسم - در حد محدود - پرداخته‌اند. آنچه در مطالعه فعلی - به عنوان بخشی از کل پژوهش ارائه می‌شود حضور و مشارکت بیشتر زنان در مراسم عزاداری حسینی در تهران و در مقایسه با گذشته است. این موضوع به لحاظ روشی باعث شده است تا پرس و جو از زنانی که به لحاظ سنی امکان حضور در عزاداری قبل از انقلاب را داشته و تجربه آنها در عزاداری قبل از انقلاب اسلامی اطلاعات مفیدی برای تحقیق به دست می‌دهد، صورت بگیرد.

مراسم عزاداری در ایران

بسیاری از آئینهایی که در هر فرهنگی اجرا می‌شود ریشه مادی، تاریخی و جغرافیایی دارند. از جمله آئین‌های رقص که در پایان گردآوری محصول در بعضی قبایل آفریقایی انجام می‌گیرد، برگرفته از محیط، شرایط و معیشت فرهنگ آن جامعه است. وجود گذشته‌ای دور برای ایرانیان، و محیط جغرافیایی متنوع آن با تنوعی از آیین و مراسم از کشت و درو محصول گرفته تا مراسم عزاداری رویه‌رو هستیم. زندگی و مرگ به عنوان دو مفهوم اصلی مورد نظر ایرانیان آنها را و می‌داشته است تا در مراسم به گونه‌ای آن را مورد توجه قرار دهند. ارتباط نزدیک با طبیعت نیز موجب نگرشی خاص در آنها شده است. فرقی نمی‌کند که مرگ و نیستی از آن طبیعت باشد یا انسان، چراکه در هر صورت مرگ طبیعت یعنی مرگ انسان. بنابراین در بازسازی این طبیعت، نباید بسیار کوشید و رنج فراوان برد و در ورای این تفکر است که در این فرهنگ، از دست دادن

زندگی به آسانی پذیرفته نمی‌شود. فرهنگ ایرانی این نیرو را تقویت می‌کند تا برای زنده ماندن در آفرینش دوباره تلاش نماید. ولی از طرف دیگر به ناچار با واقعیت مرگ روبرو می‌شود. پس چاره‌ای ندارد جز اینکه مراسمی را به پا دارد که از آه و فغان درونی او به راستی سخن گوید. برگزاری این مراسم، او را با این واقعیت روبه‌رو می‌سازد که مرگ حق است. او در کنار این گونه مراسم آرام می‌گیرد، و راحت‌تر واقعیت را می‌پذیرد. (وردن ۱۳۷۷، ۲۳).

در ایران مراسم عزاداری با دو عبارت مطرح می‌شود: ۱. مراسم عزاداری غیر مذهبی ۲. مراسم عزاداری مذهبی^۱ در عزاداری مذهبی، مسائل مربوط به مذهب و مرگ عزیزان و رهبران دینی مورد توجه قرار می‌گیرد. چون به دلیل ارتباط این نوع مراسم عزاداری با زندگی بزرگان دینی و فرهنگ دینی حاکم برجامعه بسیار مورد توجه مردم قرار دارد، در قالب مراسم سالگرد، شهادت، رحلت و... اجرا می‌شود. اما عزاداری معطوف به بزرگان دینی نیست، مراسم از دست دادن عزیزی را که تا حد زیادی در تمامی فرهنگ‌ها نیز به طریقی وجود دارد. نشان می‌دهد و با وجود اینکه مراسم عزاداری مذهبی نامیده نمی‌شود، در نهایت با انجام آیین‌های دینی یا اجتماعی پایان می‌پذیرد. عزاداری و مراسم آن در ایران اگر چه هر دو شیوه عزاداری را (غیر مذهبی و مذهبی) در بر می‌گیرد اما در فرهنگ ایرانی، اصطلاح عزاداری جنبه تقدس پیدا کرده و معطوف به مسائل مذهبی می‌باشد. بنابراین وقتی واژه عزاداری به کار می‌رود منظور اجرای آئینی خاص در زمان و مکانی با شرایط و اهداف مشخص است. عزاداری مذهبی نمونه‌ای است از یک نماد. نمادی که در ادیان آسیایی نیز به گونه‌ای دیگر، از این مراسم یافت شده است. مراسم عزاداری مذهبی در این فرهنگ نوعی نشانه فرهنگی به عبارت دیگر تجسم حادثه‌ای است که ۱۴۰۰ و اندی سال پیش اتفاق افتاده است و برای ما بدون به چشم آوردن وسایل و نمادی و سمبلی مشکل خواهد بود. به این خاطر در این مراسم، علم‌ها، پرچم‌ها و دیگر وسایل عزاداری و عزاداران همگی نماد یک حرکت فرهنگی هستند که هم آهنگ به صحنه عزاداری می‌آیند تا خاطرات مصیبت‌های وارده بر امامان شیعه و به‌ویژه امام حسین (ع) امام سوم شیعیان در حادثه کربلا، بار دیگر زنده شود.

عزاداری در اسلام

سابقه حضور زنان در عزاداری در ایران به گذشته‌های خیلی دور، شاید حدود سه هزار سال پیش بر می‌گردد. در تاریخ آمده است که سیاوش مظلومانه به دست افراسیاب (پادشاهی که به او جای داده و حتی دخترش را به همسری او انتخاب کرده بود) کشته می‌شود. آنچه در دست است تصویر مرگ سیاوش است با مردان و زنانی که گریان حرکت کرده و عماری سیاوش را بر دوش حمل می‌کنند:

مغان چون از این واقعه غم انگیز آگاهی یافتند، آنرا گرامی شمردند و مردم بخارا نیز همگین شدند و سوگواری کردند و ترانه ساختند و خواندند و کار به جایی رسید که ترانه‌ها را در همه کوی و برزن می‌خواندند. (بیضایی، ۱۳۴۴، ۱۲۰).

یکی از این سرودها «کین سیاوش» نام دارد. خواندن سرودهای غم انگیز، برپایی مراسم سوگواری توسط مغان، و بر سر و سینه زدن زنان و مردان، همگی حکایت از وجود عزاداری و مشارکت زنان در آن می‌باشد. پس از آن مراسم عزاداری در دین زردتشت وجود دارد (هینلز و همکاران ۱۳۷۳، ۱۸۳). تا اینکه شهادت امام حسین (ع) و ۷۲ تن از یارانش اتفاق افتاد. این حادثه آنقدر بر ایرانیان شیعه سخت آمد که مراسمی را هر ساله به یاد آنها و نام آنها بر پا ساختند. این مراسم تا مدتی به خاطر ترس از خلقای اموی بر پا نگردید تا اینکه در قرن‌های اول و دوم اسلامی به نام و یاد ائمه شیعه، مردم شیعه مجالس عزاداری برپا و باحالت گریان به عزاداری مشغول می‌شوند (رهنما، ۱۳۶۰، ۷-۳۸۶).

کارکردهای عزاداری در فرهنگ ایران

اعتقاد به بقای روح، مسلمانان را مطمئن می‌سازد که روح انسان اگر چه بعد از مدتی رو به فنا می‌رود ولی در دنیای دیگر مشغول زندگی می‌شود. متوفی دستش از دنیا کوتاه و نیازمند دعای خیر بازماندگان خود می‌باشد.

در فرهنگ اسلامی، مراسم سوگواری جهت شادی روح متوفی و تسلی خاطر

بازماندگان متوفی انجام می‌شود. از این رو، مراسم عزاداری در کلیت دارای دو کارکرد (دینی و اجتماعی - فرهنگی) است. برای بازماندگان انجام مراسم به گونه‌ای مرحله گذر از یک دوره‌ای است که با انجام آن تحمل قبول واقعیت‌های زندگی از جمله مرگ، در بازماندگان قوت می‌گیرد. در حقیقت برخی تکالیف سوگواری برای ایجاد برقراری تعادل و کامل شدن روند سوگواری انجام می‌شود (وردن، ۱۳۷۷، ۲۳).

بنا به اعتقاد مسلمانان، مراسم عزاداری به جز عزاداری‌های خاصی که برای بزرگان و ائمه دین انجام می‌شود معمولاً جهت شادی ارواح و آرامش روان مردگان انجام می‌شود. این مراسم همواره با دعاها و رفتارهایی خاص همراه است. بازماندگان دعاهایی را قرائت می‌کنند تا به گونه‌ای، گناهان شخصی را که در طی عمر خود انجام داده است بزدایند. در این فرهنگ، زیارت از قبور نیز نوعی رفتار مردم پسندانه محسوب می‌شود. ویلیام وردن چهار مرحله و کارکرد برای مراسم سوگواری در ایران در میان مردم شیعه برمی‌شمارد: ۱. پذیرش واقعیت جدید، ۲. گذر از درد و مصیبت، ۳. انطباق با محیطی که شخص فقید در آن حضور ندارد و ۴. تعیین جایگاه جدید برای بازمانده و ادامه دادن زندگی (وردن، ۱۳۷۳).

ظاهراً از کلام وردن این گونه برمی‌آید که او مراسم سوگواری را برای دلجویی بازماندگان متوفی مفید می‌داند. در حقیقت این چهار کارکرد به بازماندگان کمک می‌کند تا به نحوی بعد از پایان مراسم عزاداری، با محیط تطبیق یافته و بتوانند بعد از مدتی به زندگی قبلی خود ادامه دهند.

بنابراین برگزاری مراسم سوگواری در حقیقت راهی است مثل یک گذر، گذر از دوره‌ای بسیار تلخ و پر رنج به دوره‌ای آرام و با تأمل و به عبارتی دیگر مراسم تدفین، ترحیم و... به بازماندگان اطمینان می‌دهد که می‌توانند از مرحله نخستین ماتم به آرامی گذر کنند.

از طرفی اجرای این مراسم گذر از واقعیتی است بس تلخ، بنابراین بازمانده به‌ویژه اگر دختر یا زن و مادر باشد با دیدن مراسم سوگواری مرگ اتفاق افتاده را واقعی دانسته و خود را با گریه کردن خالی می‌سازد. در نتیجه تشکیل مجالس عزاداری، از یک طرف فرصتی است تا بازماندگان، احساسات خود را درباره متوفی ابراز نمایند و از طرفی

کمکی است به روند تالم و غم این فقدان. فرد در طی سپری کردن این دوره ماتم می‌تواند مروری نیز بر خاطرات فرد متوفی نماید، و از اینکه او دیگر در بینشان حضور ندارد احساس ناراحتی و نارضایتی می‌نماید و این احساسات با تشکیل مراسم عزاداری، مفهوم و معنی پیدا می‌کند.

مادران، زنان و خواهران متوفی، برای زنده نگه داشتن خاطرات متوفی چیزی - به خصوص عکس - را که متعلق به اوست، برای خود به یادگار نگه می‌دارند. همچنین مراسم بزرگداشت نیز برای او سال‌ها تکرار می‌شود. در بین زرتشتیان مرسوم است که تا سی سال برای متوفی مراسم بزرگداشت می‌گیرند. معمولاً این مراسم با دادن نذور و خیرات برای متوفی صورت می‌گیرد. و یا در مراسم عزاداری امام حسین (ع) استفاده از علم، اسب و شمشیر... که جنبه سمبلیک دارند، با همین نیت صورت می‌گیرد. عزاداری مذهبی در ایران معمولاً به خاطر حساسیت‌های دینی بسیار با شکوه برگزار می‌شود. برپایی این مراسم در واقع میزان تعلق شیعیان ایران را به امامان و بزرگان دینی نشان می‌دهد.

مراسم سوگواری فرصتی را فراهم می‌آورد تا میزان تعلق و محبت نسبت به متوفی معلوم گردد. همچنین اجرای این گونه مراسم بسته به این است که شخص متوفی چه کسی است و یا با بازماندگان چه رابطه‌ای دارد؟ رابطه‌ای است نزدیک و تنگاتنگ مثل رابطه‌ای که بین مادر و فرزند وجود دارد یا صرفاً رابطه‌ای است دوستانه بین او و دیگران. اگر رابطه بین افراد در زندگی بر اساس محبت و عشق بوده است، پس از مرگ فرزند یا همسر برای مادر و زن این احساس ایجاد می‌شود که امنیت او از بین رفته است.

میزان حساسیت افراد شرکت کننده و حتی نوع تشکیل مراسم سوگواری گاه به سن و جنس (مرد یا زن بودن متوفی) و اینکه شخص به عمر طبیعی فوت شده، یا مرگ ناخواسته یا غیرمترقبه بوده بستگی دارد. گاه مرگ پهلوانی است که به خاطر رشادت‌ها و دلآوری‌هایش در نبرد با دشمن مرگ را پذیرفته است و گاه فوت جوانی است که در آغاز زندگی خود اجل به او فرصتی نداده است. هر یک از موارد فوق از نظر بازماندگان، با عکس‌العمل متفاوتی روبه‌رو می‌شود و نحوه اجرای مراسم عزاداری را متفاوت می‌سازد.

نتیجه مثبت دیگری که تشکیل این مجالس دارد این است که کدورتها و ناراحتی های سابقه دار تقریباً فراموش می شود و بازماندگان شاهد هر چه صمیمی تر شدن افراد و ایجاد شبکه اجتماعی و روابط بین خروشاوندان می باشند. معمولاً بعد از این گونه مجالس روابط گسترده و صمیمی تر می گردد. نمونه آن مدتها اثر خود را در بین افراد عزادار می گذارد. به عنوان مثال در بازار و کسبه هایی که معمولاً در ایام سال روابط تیره ای با هم دارند در این ایام باهم و هماهنگ برای مراسم عزاداری فرد متوفی خدمت می کنند (خلیلی، ۱۳۷۸، ۵۷).

گاه در بعضی از فرهنگها، که نمونه آن فرهنگ مردم ما می باشد تشکیل مراسم عزاداری چه برای اشخاص معمولی و چه بزرگان دینی، نه تنها یک وظیفه اجتماعی به حساب می آید، بلکه یک نوع وظیفه دینی نیز محسوب می شود. به این خاطر است که این مراسم با مراسم مذهبی تلفیق پیدا کرده و جزء آیین های مذهبی محسوب می شود.

زنان و عزاداری غیر مذهبی

عزاداری در ایران با حضور زنان، مردان، کودکان، جوانان و پیران تشکیل می شود. این افراد در انجام مراسم هر یک به گونه ای دخالت دارند. به عبارت دیگر باتوجه به تجربیات موجود در مراسم عزاداری نقش خاصی را به عهده می گیرند. عده ای به طراحی و ساماندهی و اجرای مراسم مشغولند، عده ای به تهیه تدارکات و بسیاری نیز به عنوان ناظر در عزاداری حاضر شده و جلوه خاصی به آن می دهند. در مراسم عزاداری معمولی زنان اصلی ترین نیروهای درگیر می باشند. زیرا زن (مادر، دختر، خواهر یا همسر) از طرف مردم و دیگران و خود او نقش محوری عزاداری را به عهده دارد. نوع عکس العملی که او نسبت به فرد متوفی از خود بروز می دهد، عامل عمده ای در تغییر ساختار عزاداری است. اگر او از دست دادن فرد را معمولی تلقی کند، عزاداری رسمی و حداقل خواهد بود. در صورت وجود عکس العمل بسیار عاطفی از طرف زنان عزادار - که بیشتر با گریه و با صدای بلند همراه است - اعضای خانواده و دوستان فرد متوفی مشارکت بیشتری در مراسم عزاداری نموده و عزاداری هیجانی و طولانی تر می شود. این مسئله را در ضم از دست دادن یک جوان و برخورد مادر یا خواهر او می توان دید.

حال اگر جوان فوت شده دارای مادر یا خواهر و همسر نباشد عزاداری در حداقل خود برگزار می‌شود.

زنان در مراسم عزاداری مذهبی

کودکان، جوانان، مردان و زنان در سنین متوسط و بالا هر دو نیروهای اصلی عزاداری می‌باشند. در مقاله حاضر بیان سهم کودکان و جوانان و مردان در عزاداری مورد نظر نیست، بلکه نکته مهم نشان دادن نوع مشارکت زنان در عزاداری است.

با توجه به اینکه عزاداری نیز مانند دیگر فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی قابل برش به دو وضعیت است: ۱. وضعیت آشکار و مرکزی به نام متن، ۲. وضعیت پنهان و حاشیه‌ای. در وضعیت آشکار و متنی، واقعیت همه فعالیت‌ها تا حدود زیادی معلوم است. در حالی که در وضعیت حاشیه‌ای آنچه اتفاق می‌افتد دور از چشم افراد است. با این وجود می‌توان مدعی شد زنان در این مراسم دو نوع مشارکت دارند. نوع اول مشارکت در متن عزاداری اعم از مسجد، تکیه و خیابان و نوع دوم مشارکت آنها در فعالیت‌های جنبی عزاداری است که شرایط مناسب را برای ساختن متن عزاداری فراهم می‌کند. این فعالیت‌ها در حاشیه عزاداری صورت می‌گیرد. در ادامه به بیان هر یک می‌پردازیم.

الف. زنان و متن عزاداری

برای نشان دادن وضعیت مشارکت زنان در عزاداری مذهبی (عزاداری حسینی) دو مقوله «انواع فعالیت‌های عزاداری» از قبیل مسجد، تکیه، خیابان، عزاداری خاص زنان و «دوره تاریخی» (دوره قبل از انقلاب اسلامی و دوره بعد از انقلاب اسلامی) را مورد نظر قرار داده و رابطه‌های آنها را براساس اطلاعات در جدول شماره (۱) نشان داده‌ایم. فرض اصلی این است که زنان بعد از انقلاب اسلامی به فعالیت‌های جدید فرهنگی و دینی و به‌خصوص مشارکت جدی در مراسم عزاداری پرداخته‌اند. آنها از الگوی جدید فعالیت به لحاظ صورت و محتوی تبعیت می‌کنند در حالی که در گذشته بیشتر دارای نقش نیروهای «حاشیه‌ای» «سایه‌ای» و «انفعالی» نسبت به مردان بوده‌اند.

قبل از بحث در مورد جدول لازم است منظور از دو دوره روشن شود. منظور از دوره بعد از انقلاب اسلامی در ایران، شروع فعالیت‌های سیاسی و دینی - قبل از سال

۱۳۵۷ هـ. ش) تا زمان حال را در بر می‌گیرد. رهبران انقلاب اسلامی برای مشارکت بیشتر مردم از زنان برای حضور در تظاهرات خیابانی دعوت به عمل آوردند. در این تظاهرات که به صورت دسته‌های دینی (خصوصاً زمان تظاهرات شهدا، روزهای خاص مذهبی، ایام محرم و صفر) برگزار می‌شد، اکثریت زنان شهری و روستایی را همراه خود داشت. با استمرار این نوع تظاهرات، زنان ایرانی به‌ویژه زنان شهری یکی از راه‌های حضور در جامعه و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی را در ورود به این گروه‌ها دیدند. با مراجعه به تظاهرات خیابانی دوران انقلاب اسلامی این معنی بیشتر به‌دست می‌آید. پس از انقلاب اسلامی نیز این نوع روش از طرف رهبران انقلاب جمهوری اسلامی و سپس گروه‌های سیاسی مورد استفاده قرار می‌گرفت و زنان جامعه نیز تلاش در تغییر آن ندارند.

با وارد شدن به ماه‌های محرم و صفر و کاسته شدن کنترل رسمی دولتی بر مردم، زنان و به‌خصوص دختران امکان مشارکت گسترده‌ای را در مراسم یافتند. با توجه به طبقه اجتماعی، سطح سواد، و علاقه مشارکت‌های متفاوتی شکل گرفت. در مجموع آنچه تحقق یافت با آنچه در گذشته - قبل از انقلاب اسلامی^۲ - دیده می‌شد، کاملاً متفاوت بود. از این روست که این شرایط، شرایط دوره جدید و در مقابل شرایط حضور زنان در مراسم عزاداری در گذشته شرایط دوره قدیم نامیده شده است.

نقش زنان در عبادات با توجه به دوره تاریخی و نوع عباداتی

دوره تاریخی	نوع و محل عباداتی	۱- مساجد	۲- تکیهها	۳- عبادات اختصاصی زنان	۱- زنجیرزنی	۲- عبادات خجاییه	۳- مشارکت کم زنان	فعالیت‌های اصلی زنان در هر دوره
دوره قدیم	محل عبادات زنان و مردان	۱) محدودیت تکیهها ۲) خجاییه سهل عبادات زنان و مردان ۳) حضور قاضی	۱) افزایش تکیهها ۲) ترکیب زنان و مردان ۳) حضور قاضی ۴) حضور سهل ۵) حضور گروه‌های زنان دولت و همکار	۱) عبادات زنانه ۲) روحانی زن و مرد ۳) طرح مسائل دینی و فرهنگی زنان ۴) طرح مسائل عمومی دینی	۱) اختصاصی مردان ۲) زنان ناظر و همراه دسته‌های زنجیرزنی	۱) مشارکت زیاد زنان ۲) همراهی با مردان ۳) زنان سهولت همراه دسته	۱) مشارکت در کارهای خانگی چون تقسیم غذا و تهیه دیگر نیازات ۲) نقش دوم مدیریت و سازماندهی در محابه با نقش مردان	۱) مشارکت در کارهای خانگی چون تقسیم غذا و تهیه دیگر نیازات ۲) نقش دوم مدیریت و سازماندهی در محابه با نقش مردان
دوره جدید	محل عبادات زنان و مردان	۱) افزایش تکیهها ۲) ترکیب زنان و مردان ۳) حضور قاضی ۴) حضور سهل ۵) حضور گروه‌های زنان دولت و همکار	۱) افزایش تکیهها ۲) ترکیب زنان و مردان ۳) حضور قاضی ۴) حضور سهل ۵) حضور گروه‌های زنان دولت و همکار	۱) عبادات زنانه ۲) روحانی زن و مرد ۳) طرح مسائل دینی و فرهنگی زنان ۴) طرح مسائل عمومی دینی	۱) اختصاصی مردان ۲) زنان ناظر و همراه دسته‌های زنجیرزنی	۱) مشارکت زیاد زنان ۲) همراهی با مردان ۳) زنان سهولت همراه دسته	۱) مشارکت در کارهای خانگی چون تقسیم غذا و تهیه دیگر نیازات ۲) نقش دوم مدیریت و سازماندهی در محابه با نقش مردان	۱) مشارکت در کارهای خانگی چون تقسیم غذا و تهیه دیگر نیازات ۲) نقش دوم مدیریت و سازماندهی در محابه با نقش مردان

بر اساس جدول فوق نکات چندی در مورد عزاداری زنان قابل طرح است:

۱. در دوره قدیم، زنان بیشتر در مساجد، تکیه‌ها و کمتر در خیابان‌ها به عزاداری می‌پرداختند. البته در دو دهه قبل از انقلاب اسلامی عزاداری خیابانی در تهران توسعه یافته بود. ولی زنان در حاشیه عزاداری قرار داشتند. محل عزاداری آنها از مردان جدا بود. در حالی که در دوره جدید تا حد زیادی فاصله بین زنان و مردان کم شده است و بسیاری از زنان و مردان فامیل، همشهری یا هم‌محله‌ای و همسایه و هم‌کوچه‌ای کنار هم در عزاداری شرکت می‌کنند. زیرا عزاداری به جای برگزاری در محلی خاص در همه مناطق توسعه یافته است. از این‌رو برای همسایگان و افراد هم‌محله فرصت کنار هم قرار گرفتن برای انجام مراسم عزاداری فراهم شده است.

۲. شیوه عزاداری زنان در گذشته بسیار سنتی و حاشیه‌ای بود. آنها بیشتر در مظلومیت امام حسین (ع) و زینب کبری (س) و دیگر صحابه امام حسین (ع) در حادثه کربلاگریه می‌کردند اما در حال حاضر زنان ضمن انجام مراسم عزاداری در بیشتر فعالیت‌ها از قبیل همراهی با دسته‌گذاران در خیابان و تهیه تدارکات گروه‌های عزادار نیز شرکت دارند.

در گذشته عزاداری سنتی زنان مراسمی نسبتاً واحد و هماهنگ و ثابت بود. در حالی که در دوره جدید زنان شهری و به‌ویژه زنان بعضی از شهرستان‌ها (از قبیل زنان عرب خوزستانی) در بیشتر مراسم عزاداری مشارکت دارند. روضه خوانی، نوحه خوانی، سینه زنی، تعزیه سرایی، و تبدیل هیئت عزاداری به تظاهرات خیابانی و تبدیل عزاداری زنان به عزاداری خانگی نمونه‌های عمده عزاداری گسترده زنان می‌باشد. یکی از انواع عزاداری‌هایی که تاکنون نیز به مردان اختصاص یافته است، زنجیرزنی می‌باشد. ۳. در گذشته چون مساجد یا مدیریت مردان ساماندهی می‌شد، زنان صرفاً جهت عزاداری به مساجد رفته و پس از پایان مراسم نیز به منزل برمی‌گشتند. در حالی که در دوره جدید، زنان پس از پایان عزاداری در مساجد و یا در حاشیه تکیا و مساجد باقی می‌مانند. حضور زنان در بیرون مساجد یا در حاشیه خیابان‌ها و پس از پایان یافتن مراسم عزاداری در مساجد امکان‌گفت و شنود با دیگران یا همراهی با دسته‌های عزادار را برای آنها فراهم نموده است.

۴. زنان در دوره قدیم کمتر به تکیه‌ها می‌آمدند. زیرا تکیه‌ها در بدو امر به عنوان پدیده‌ای مدرن از طرف دولت مرکزی (دوره قاجاریه) طرح شد. در این دوره، تکیه دولت ضمن اینکه مرکز فعالیت‌های سیاسی و هنری بود به فعالیت‌های دینی و عزاداری نیز اختصاص داشت. پس از افول دولت قاجاریه، تکیه‌ها به عنوان مراکز دینی در سطح تهران توسعه یافت و همچنین به عنوان محلی برای عزاداری خانواده‌های قامل، هم طایفه و هم شهری در نظر گرفته شد. اسامی تکیه‌ها مطلب فوق را تأیید می‌کند. در بسیاری از پلاکارت‌های دسته‌های عزادار معلوم شده است که این دسته عزادار متعلق به کدام شهر - حتی روستا - بوده و آنها این جمع را از چه زمانی شروع کرده‌اند.^۳ در این تکیه‌ها در دوره قدیم زنان در مقایسه با مساجد نقش بیشتری در عزاداری داشتند، زیرا در تهیه غذا، امکانات و حمایت از مردان و فرزندان جهت مشارکت در مراسم عزاداری سهیم بوده‌اند. در دوره جدید بر تعداد تکیه‌ها افزوده شد و در هر محله تهران تکیه جدیدی تأسیس شد. اگر تکیه‌ها در گذشته الزاماً به لحاظ روستا، شهر، طایفه، قوم و گروه خویشاوندی ساخته می‌شد، در حال حاضر تکیه‌های محلی و کوچه‌ای نیز به آن اضافه شده است. در این نوع تکیه‌ها افراد (زنان و مردان) کوچه‌ها و محله‌ها با همیاری و همکاری یکدیگر تکیه‌ها را می‌سازند. در ساختن و نگهداری این نوع تکیه‌ها زنان نقش بیشتری به عهده می‌گیرند. و ضمن حمایت از مردان نقش مرکزی در عزاداری به عهده دارند.

۵. نوع دیگر عزاداری، خاص زنان و مشهور به «روضه‌ها و جلسات زنان عزادار» می‌باشد. در عزاداری‌های گذشته حضور زنان مطرح بود در حالیکه تهیه کنندگان مواد غذایی و امور پشتیبانی زنان بودند. ولی نوحه خوان و روضه خوان مرد بود. در این نوع عزاداری نیز تحول صورت گرفته است. در دوره جدید زنان هم تهیه کنندگان، طراحان نوحه و نحره عزاداری می‌باشند آنها حتی در انتخاب نوحه خوان و روضه خوان مشارکت نموده و سعی می‌کنند روضه‌خوان، نوحه‌خوان و مداح از زنان تا مردان باشند. زیرا در دوره جدید بسیاری از زنان روضه خوان و نوحه خوان در جامعه مطرح و از توانایی مدیریت جلسات برخوردار شده‌اند. (خلیلی، ۷).

در این نوع عزاداری، علاوه بر اینکه مجالس عزاداری زنان در دوره جدید به واسطه

زنان تدارک و مدیریت می‌شود، بلکه به انتخاب «متن‌های خاص» مربوط به عزاداری نیز می‌پردازند. تکیه آنان بیشتر بر روضه ام‌کلثوم، زینب کبری، فاطمه زهرا(س) و مظلومیت زن در حادثه کربلا و نمونه‌هایی از این نوع گرایش است.

۶. در نوع دیگر عزاداری که آن را «عزاداری خیابانی و در حال حرکت» نامیده‌ام^۲ زنان موقعیت جدیدی پیدا کرده‌اند. در گذشته این نوع عزاداری در ایران کمتر رایج بود و بیشتر عزاداری‌ها ساکن و در محل خاصی برگزار می‌شد. عمده عزاداری‌های در حال حرکت در گذشته با حضور مردان انجام می‌شد. بعضی از زنان در صورت حضور در این نوع عزاداری بیشتر به عنوان ناظر در کنار خیابان و یا از طریق پنجره‌ها به مشاهده عزاداران مرد می‌پرداختند. در دوره جدید تحولاتی اساسی در این نوع عزاداری و مشارکت زنان در آن صورت گرفته است: بر تعداد عزاداری خیابانی افزوده شده است. زمان عزاداری خیابانی بیشتر شده است، مسیری طی شده به واسطه عزاداری خیابانی طولانی‌تر شده است. در گذشته این نوع عزاداران تنها به طی مسافت بین دو هیئت اقدام می‌کردند. هدف اصلی آنها پاسخ دادن به دیدار هیئت زنجیرزنان یا سینه‌زنانی بود که در روزهای قبل به دیدارشان آمده بودند. در حال حاضر این هیئت‌ها مسافت بسیار زیادی را طی می‌کنند. آنها بیشتر زمان را در خیابان و کوچه‌ها می‌گذرانند و کمتر در داخل تکیه‌ها مستقر می‌شوند. نوع مشارکت زنان در این نوع عزاداری در مقایسه با گذشته تا حد زیادی تغییر کرده است. زیرا زنان به عنوان بخش دوم گروه، همراه دسته سینه زنی و زنجیرزنی حرکت می‌کنند و یا اینکه در بعضی از دسته‌های عزادار به انجام مراسم عزاداری از قبیل سینه زدن و نوحه خوانی می‌پردازند.

مشارکت آنها کمتر انفعالی است، در مقابل به‌طور فعال و جدی در عزاداری ساکن و در حال حرکت شرکت می‌نمایند. آنها ضمن حضور در خیابان‌ها، به نظارت و مشاهده هیئت‌های عزاداری در حال حرکت پرداخته و در بعضی از موارد نیز به عنوان بخشی از هیئت همراه با مردان به عزاداری می‌پردازند. در واقع آنها با تکرار شعارهای عزاداری اعلام وجود می‌کنند.

حضور آنها در عزاداری در حال حرکت گردانندگان عزاداری را مجبور می‌نماید تا به مسایل زنان و به‌ویژه حضور زنان در حادثه کربلا در نوحه‌ها و مصیبت‌ها بپردازند.

ب. زنان و حاشیه عزاداری

مراسم عزاداری حرکتی دسته جمعی و هماهنگ است؛ اگرچه در ظاهر، مراسم با خود عزادارانی که در بطن مراسم قرار دارند آغاز می‌شود ولی با نگاهی به اطراف می‌توان حضور افراد دیگری را که بیشتر آنان زنان می‌باشند دید که در مراسم شرکت و باعث زینت عزاداری می‌شوند. اعمالی نیز در قالب نذر، قربانی، اسپند دود کردن، گلاب پاشیدن، اطعام و سقایی دیده می‌شود. هر کدام از این اعمال نشانه و نقش معینی در مراسم به تناسب شرایط فرهنگی و اجتماعی بر عهده دارند. نقش جانبی آنها توصیف عظمت و شکوه این مراسم است و نقش اصلی آن خدمت به مردم و رضایت آنهاست. در ورای هر یک از این مراسم فلسفه و بارور داشتنی نهفته است که به فرهنگ مذهبی جامعه ایران ارتباط پیدا می‌کند. این گونه اعمال هر سال تکرار می‌گردند و بر تنوع لوازمات آن افزوده می‌شود. شروع آن همراه با مراسم و اتمام آن گاه تا روزهای بعد از عزاداری نیز ادامه پیدا می‌کند، مثل اطعام یا قربانی یا نذر.

۱. نذرها

کلمه نذر که معمولاً با کلمه نیاز همراه می‌باشد یک نوع رفتار و اعمال خاصی است که در بین انسان‌ها از دیرباز مورد توجه بوده است. جلب رضایت و خواهش از نیرویی مافوق بشر، ذهن انسان‌ها را همواره به خود مشغول کرده است. هدایایی که می‌تواند با قربانی کردن حیوان یا انسانی آغاز و یا به پیش کش نمودن محصول و یا دارایی و املاک او ختم شود.

پدیده نذر و نیاز در تمام ادیان آسمانی کم و بیش وجود دارد. نذرها می‌توانند به نوعی حکایت از دل‌کنند از مال و ثروت جهت رضایت معبود انسان محسوب گردند. نذرهای بعد از اسلام با قالبی نه چندان متفاوت، رنگ مذهبی به خود گرفته و جزء رفتارهای دینی منظور می‌گردند.

نذر به معنی کالا و شیء، اعمال و رفتاری است که به عنوان هدیه به نیروهای مافوق طبیعی پیش‌کش می‌شود. و به عبارت دیگر نذر آن چیزی است که شخص بر خود واجب می‌داند که در راه خدا بدهد یا بجای آورد.

نوع نذر، بستگی به فرهنگ اندیشه و اعتقادات و آداب و رسوم مرسوم در بین

گروه‌های مختلف دارد. ارزش و اعتبار نذرهای زنان ثروتمند بسته به این است که نذر آنها هر چقدر تجملی‌تر ادا گردد، در مقابل زنان متعلق به خانواده بی‌بضاعت به نذر کوچکی اکتفا می‌کنند. در اینجا ضروری است به زمینه‌هایی که موجب تفاوت نذرها در مراسم می‌شود اشاره نماییم:

۱. ویژگی‌های فرهنگی و آداب و رسوم مرسوم در گروه‌های اجتماعی، به طور مثال تفاوت بودن نذر در میان بیرجندی‌ها یا سمنانی‌ها، مثلاً در یکی از روستاهای بیرجند کسانی که نذر دارند سبب یا اناری را به علم زده^۵ و بعد آن را می‌خورند. و یا در فرهنگ سمنانی، نذر بستن پارچه روسری یا شال به طوق و پنجه حضرت ابوالفضل نیز بین زنان رایج است.^۶

۲. طبقات اجتماعی متفاوت (مثل صنف‌های مختلف در بازار تهران)، به طور مثال اینکه نذر از طرف کدام قشر اجتماعی یا صنف زنان در جامعه صورت بگیرد، مهم می‌باشد. گاه نذری به سادگی انجام می‌گیرد، مثلاً با گذاشتن منبع آب، این نذر ادا می‌گردد. مثل سقاخانه موقتی در بازار سید اسماعیل (در روزهای دهه محرم) یا نذر نان و پنیر و خرما برای صبحانه از طرف زنان در کوچه و خیابان.

۳. موقعیت طبیعی جغرافیایی و آب و هوایی یک منطقه، جهت این نذرها را مشخص می‌نماید. از قدیم الایام در محیط بازار به دلیل گرمی و خشکی هوا، عدم دسترسی به آب پاکیزه و دور بودن مغازه‌های بازار تا بیرون از آن و لوله کشی آب و... مشکلاتی را برای بازاریان به وجود می‌آوردند. این شرایط ایجاب می‌کرد که سقاخانه‌ای برای تامین نیاز شرب مردم ساخته شود. در حال حاضر نیز یکی از نذرهای ممکن در بازار شربت می‌باشد. یا قرارداد شمع در این محیط که به دلیل مسقف بودن بازار محیط آن را تاریک می‌سازد، امری لازم و یک خدمت مردمی است که این عمل خیر خواهانه و مردم دوستانه امروزه حالت تقدس نیز به خود گرفته است. در حال حاضر روشن کردن شمع در جلوی اماکن مذهبی، مساجد، تکایا در شام غریبان (شب عاشورا) از جمله نذرها به حساب می‌آید.

۲. اسپند دود کردن

اسپند دود کردن نیز عملی است که معمولاً در جلوی دسته‌های عزاداری - و به طور مشخص وقتی گروه عزاداران از جلوی خانه‌ها یا مراکز عزاداری گذر می‌کنند - بیشتر توسط زنان و جوانان صورت می‌گیرد. ولی زمانی که گروه عزاداران به تکیه‌ها یا مساجد خود باز می‌گردند، اسپند دود کردن به توسط مردان انجام می‌شود. دود حاصله از اسپند در ظرف‌هایی که در دست حاملین آن می‌چرخد جهت ضد عفونی کردن محیط، خوشبو ساختن و به یاد حادته کربلا انجام می‌شود. بسیاری از زنان اسپند دود کردن را به لحاظ فرهنگی برای دوری از چشم زخم، انجام می‌دهند.

جمع بندی

همان طور که در متن مقاله اشاره شد و حضور زنان در عزاداری حسینی با گذشته (قبل از انقلاب اسلامی) بسیار تفاوت یافته است. با وقوع انقلاب اسلامی و حضور زنان در فعالیت‌های مذهبی نوع و میزان مشارکت آنها در فعالیت‌های اجتماعی تغییر نمود. به عنوان نمونه سهم و میزان مشارکت زنان در انواع عزاداری (ساکن و در حال سکونت) متفاوت شد. آنها همچنین ضمن حمایت‌های حاشیه‌ای از حضور مردان و فرزندانشان در مشارکت در این مراسم، به عنوان نیروی فعال عزاداری مطرح شدند. آنها در تهیه امکانات مادی، شکل و محتوای عزاداری اقدام نموده و سعی کردند حلاتق و سلیقه‌های خودشان را نیز نشان دهند. یکی از مشخص‌ترین فعالیت‌های آنها تهیه غذاهای متنوع در عزاداری است در حالی که در گذشته غذاها نسبتاً ثابت و بیشتر از طرف مردان تهیه می‌گردید. تغییراتی که در نوع و میزان مشارکت زنان در عزاداری به وقوع پیوسته است عبارتند از: ۱. افزایش میزان عزاداری زنان: زنان در شرایط جدید هیئت‌های جدیدی برای عزاداری خود طراحی کرده‌اند. ۲. زنان در عزاداری در حال حرکت از قبیل سینه زنی و زنجیرزنی فقط ناظر کنار خیابان یا ناظر از پنجره خانه‌هایشان نیستند. آنها به عنوان همراهان هیئت‌ها همراه با همسران، فرزندان و یا در قالب گروه‌های فامیلی و محلی و دوستی در هیئت‌های در حال حرکت حاضر می‌باشند. ۳. و در بعضی از هیئت‌ها با شمار دادن در خیابان حاضر شده و عزاداری می‌کنند. ۴. آنها با نقش‌های جدیدی از جمله

نقش طراح عزاداری، مدیر، و روضه خوان و نوحه خوان در برگزاری عزاداری حاضر شده‌اند.

تکنه اصلی که در این مقاله مورد نظر قرار گرفته است حرکت زنان از «وضعیت پیرامونی» و «حاشیه‌ای» در عزاداری به موقعیت «محوری و مرکزی» است. این وضعیت برای زنان موقعیتی را فراهم نموده است تا بتوانند به نوآوری در سلیقه‌ها، رنگ‌ها، شعارها، و محتوی عزاداری اقدام کنند. زنان در آذین کردن هیئت‌های عزاداری مشارکت جدی داشته و حضور آنها آرایش بهتری را به رنگ‌ها و وسایل عزاداری در هیئت‌ها داده است. آنها از رنگ‌های شاد (زرد، سفید، آبی و...) در کنار رنگ‌های خاص عزاداری (سبز، قرمز و سیاه) برای تزئین علم‌ها و در هیئت‌ها و تکیه‌ها استفاده کرده‌اند.

سهام عمده دیگر زنان تغییری است که در ساماندهی و عناصر پذیرایی از قبیل تهیه غذا و نحوه پذیرایی به عنوان فعالیت حاشیه عزاداری صورت داده‌اند. ورود غذاهای جدید با سلیقه و رنگ و طعم متنوع، پذیرایی بهداشتی و استفاده از ظروف یکبار مصرف حکایت اثرگذاری زنان در این فعالیت پیرامونی عزاداری است. مثلاً «شله‌زرد» از قدیم به صورت ساده تهیه می‌شد. اما در حال حاضر با تنوع رویه‌روست. در مورد غذای هیئت‌ها نیز این تغییر دیده می‌شود.

نقش فعلی زنان در عزاداری - به طور خاص در عزاداری در حال حرکت - زمینه‌ساز طرح بعضی از مسائل اجتماعی و سیاسی مربوط به زنان شده است. زیرا گروه‌های عزادار برای جلب مشارکت زنان در عزاداری در حال حرکت - حتی ناظر در کنار گروه‌های عزاداری در حال حرکت - موجب شده تا از مشارکت بیشتر آنها در امور مدیریتی و سیاسی سخن به میان بیاید. این نوع برخورد با مسائل زنان در قالب طرح شعارها، نوحه‌ها و متون به طور غیرمستقیم می‌باشد.

حرکت زنان از حاشیه عزاداری و انجام فعالیت‌های حاشیه‌ای و محدود به مرکز و انجام فعالیت‌ها و حضور اساسی‌تر حکایت از تحولی بنیادی در ساختار اجتماعی جامعه است. این تغییر نشان از تغییر فرهنگی در ایران با توجه به اهمیت «جنسیت» و «گروه‌های سنی» است.

منابع

۱. آموزگار، ژاله. تاریخ اساطیری ایران. تهران، سمت، ۱۳۷۴.
۲. ارنست، اورسل. سفرنامه اورسل ۱۸۸۲ میلادی، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار، ۱۳۵۳.
۳. برآبادی، احمد. مراسم علم بندان و علم گردانی در شهرستان بیرجند، مجموعه مقالات نخستین همایش محرم و فرهنگ مردم ایران، پژوهشکده میراث فرهنگی، ۱۳۷۹.
۴. بکتاش، مایل. تغذیه و فلسفه آن.
۵. بهار، مهرداد. ادیان آسیایی، تهران: چشمه، ۱۳۵۷.
۶. بیضایی، بهرام. نمایش در ایران با شخصت تصویر و طرح و یک واژه‌نامه (بی جا، بی نا)، ۱۳۴۴.
۷. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا، سازمان لغت نامه، ۱۳۳۷.
۸. ذاکر زاده، امیرحسین. سرگذشت طهران، تهران: قلم، ۱۳۷۳.
۹. روح‌الامینی، محمود. مبانی انسان‌شناسی، تهران: زنان، ۱۳۵۷.
۱۰. رهنما، زین‌العابدین. زندگانی امام حسین (ع)، جلد اول و دوم، چاپ چهارم، ۱۳۶۰.
۱۱. حیدری قاسمی، محمد. کتاب‌شناسی هاشورا، تهران اطلاعات، ۱۳۷۸.
۱۲. خلیلی، اسماعیل. جامعه مدنی و هویت‌های مذهبی، اندیشه جامعه، شماره ۵، سال ۱۳۷۸.
۱۳. کریمی، اصغر. مراسم سوگواری ماه محرم در تهران، مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی، ۱۳۴۶.
۱۴. فاتح، صدیقه. علمدار کربلا در فرهنگ مردم استان سمنان مجموعه مقالات نخستین همایش محرم و فرهنگ مردم ایران، پژوهشکده میراث فرهنگی، ۱۳۷۹.
۱۵. مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره). مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی (ره) فرهنگ هاشورا، دفتر سوم، ۱۳۷۵.
۱۶. وردن، جیمز ویلیام. رنج و التیام در سوگواری و داخندگی، ترجمه محمد قائد، تهران: طرح نو، ۱۳۷۷.
۱۷. همایونی، صادق. تعزیه در ایران، شیراز نوید، ۱۳۶۸.
۱۸. هیلنز، جان راسل. شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه، ۱۳۷۷.

پاورقی:

۱. هر دو این واژه در فرهنگ لغت دهخدا، به یک معنا به کار برده شده است.
۲. همان‌طور که در روش تحقیق اشاره شد، برای دریافت از وضعیت عزاداری و مشارکت زنان در قبل از انقلاب اسلامی، به منابع متعدد مکتوب و تصویری (عکس، فیلم) و نوارهای صوتی باقی مانده مراجعه شده است.
۳. عبارتهایی چون «هیئت عزاداران حسینی اردبیلی‌های مقیم مرکز»، «هیئت زنجیرزنان زنجانی‌های بازار تهران»، «مجمع دینی دزفولی‌ها»، «جوانان شهری» و...
۴. عزاداری به لحاظ تحرک به عزاداری ثابت و در حال حرکت قابل تقسیم می‌باشد. عزاداری ثابت به عزاداری گفته می‌شود که عزاداران در مکانی ثابت مستقر می‌باشند و عناصر مادی عزاداری از قبیل پرچم، علم، بیرق و... نیز جابجا نمی‌شود. در حالیکه عزاداری در حال حرکت به عزاداری‌ای گفته می‌شود که محل عزاداری تغییر می‌کند. حرکت از مسجد و تکیه به خیابان و بالعکس، و عناصر مادی عزاداری از قبیل علم، بیرق و پرچم، و... و عزاداران جابجا می‌شوند. در این وضعیت عزاداری دو حال حرکت صورت می‌گیرد. شایع‌ترین نوع عزاداری در حال حرکت، زنجیرزنی می‌باشد.
۵. بحرآباد، احمد. ۱۳۷۹.
۶. فاتح، صدیق، ۱۳۷۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی